

جواب گفت: «من مطالب حکمت را چنان نوشته ام که علماء از فهم آن عاجزند و غیر اهل حکمت کسی آنها را نمی تواند فهمید و تو مطالب حکمت را مبتذل کردی و بنحوی بیان نمودی که اگر ملا مکتبی کتابهای ترا به بیند مطالب آن را میفهمد و لذا ترا تکفیر کردند و مرا نمودند.»

### ۳ - ملا صدرای شیرازی

صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی الشهیر بملا صدرا

ملا صدرا متوفی بسال ۱۰۵۰ / ۱ - ۱۶۴۰  
فرزند منحصر بفرد مردی پیر بود . پس از رحلت پدر از

شیراز باصفهان سفر کرد و چنانکه گفتیم در خدمت شیخ

بهائی و میر داماد بتحصیل اشتغال یافت و از هر دو اجازه گرفت که کتب آنها

را شرح نماید . سپس یکی از قراء قم<sup>۱</sup> رفت و گوشه اختیار نمود

و بقناعت روزگار گذاشت و بتفکر و تعمق در فلسفه مشغول شد . گویند هفت مرتبه

پیاده بزیرت خانه خدا رفت و در پایان سفر هفتم چون پسر سه رسید بدرو دزدگانی

گفت سنه ۱۰۵۰ / ۱ - ۱۶۴۰ از ملا صدرا پسری ابراهیم نام باقی ماند که از

طریقه پدر پیروی نکرد و بالعکس باوی ابراز مخالفت نمود و باین بهاهات کرد

که «اعتقادش اعتقاد عوام است» این مختصر شرح حال ملا صدرا مأخوذ است

از روضات الجنات (ص ۲ - ۳۳۱) و قصص العلماء و علاوه

بر این اطلاعات فقط میتوانم بساویم که بنا بر اشاره که

در مقدمه اسفار می نماید از علماء متشرعین زحمت بسیار بر

تأثیر مذهب ملا صدرا  
در عقاید شیخیه  
وبابیه

او وارد آمده و شیخ احمد احسائی مؤسس مذهب شیخیه شروحنی

بر دو کتاب حکمت العرشیه و مشاعر او نگاشت . پس شیخ محمد اقبال در این

قول محقق است که میگوید: «فلسفه ملا صدرا منبع و منشأ الهیات اولیه فرقه بابیه

است» و نیز او گوید «ریشه حکمت این فرقه عجیبه را باید در افکار شیخیه

تجسس کرد زیرا که شیخ احمد احسائی بانی آن مذهب با شوق و دلباختگی

هرچه تمامتر فلسفه ملا صدرا را تحصیل می نمود و بر کتب او شرحهایی نگاشته است»<sup>۳</sup>

(۱) قریه کهک قم (مترجم) (۲) توسعه فلسفه ما بعد الطبیعه در ایران (اوزاک لندن ۱۹۰۸)

ص ۱۷۵ (۳) شیخ احمد الاحسائی از معتقدین و متابعین ملا صدرا نبود بلکه اعداء او بشمار

میرفت . ز در میان حکمای ایران میرزا ابوالحسن جاوه را نباید فراموش کرد (ت ز )

من او را در زمستان ۸ - ۱۸۸۷ در طهران ملاقات نموده ام رجوع کنید به کتاب من «یک  
سال در میان ایرانیان» ص ۱۴۹ (مؤلف)

مؤلفانش تا حدی که من مطلعم بعربی است و مشهورترین آنها

کتاب عمده ملاصدرا

اسفار اربعه<sup>۱</sup> و شواهدالر بویه است کتاب اسفار بقطع

بزرگ در ۱۲۸۲/۱۸۶۵ و شواهدالر بویه بانضمام حاشیه حاجی ملاحادی سبزواری

بدون تاریخ در طهران چاپ گردیده است . از جمله آثار ملاصدرا که من هنوز ندیده‌ام

بنا بر مندرجات روضات الجنات ( ص ۳۳۱ ) کتاب ذیل را باید شمرد: شرح اصول

کافی و کتاب شرح الهدایه و حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا و شرحی بر حکمت

الاشراق ( که گویا مقصود کتاب شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور بالمعتول است

که بتهمت زندوقه کشته شد و از بزرگان معروف و مظلوم است ) و کتاب واردات

القلیبه و کسر اصنام الجاهلیه و چند تفسیر راجع ببعضی سوره قرآنیه است و غیر ذلك .

با وجود شهرت و رواج فلسفه ملاصدرا در ایران فقط دو

بیانات گوینو راجع

خلاصه خیلی سطحی و ناقص از طریقه فلسفی او در السنه اروپائی

بملاصدرا

دیدنام . کت گوینو چند صفحه راجع بعقاید ملاصدرا انگاشته<sup>۲</sup>

اما معلومات او ظاهراً بانتمام از دروس شفاهی معلمینش مأخوذ بود و معلمین

مزبور هم علی الظاهر اطلاع کاملی نسبت بان عقاید نداشته اند . خلاصه گوینو در

پایان شرحیکه راجع بملاصدرا نوشته گوید : « طریقه حقیقی ملاصدرا عیناً متخذ از

ابوعلی سیناست » در صورتیکه صاحب روضات الجنات صراحة راجع بملاصدرا مینویسد:

« کان . . . منقحاً اساس الاشراق بعالم مزبدعلیه و مفتوحاً ابواب الفتحیجه علی طریقه المشاء

والرواق » و معلوم است که ابوعلی سینا از پیروان ارسطو و تابع طریقه مشائیون بوده است .

تعمری نفی میختر تر ولی جدی تر و صحیح تر که از مذهب

عقیده شیخ محمد

ملاصدرا نموده اند آنستکه شیخ محمد اقبال کرده است .

اقبال

مشارالیه یکی از شاگردان سابق دکترمک تاگرت Me Tagart

(۱) گوینو در معنی اسفار که جمع سفراست « یعنی کتاب » اشتباه کرده و آنرا جمع سفر گرفته

و در کتاب « مذاهب و فلسفه های آسیای وسطی ۱۸۶۶ ص ۸۱ » می نویسد : « بعلاوه ملاصدرا

چند کتاب دیگر راجع بمسافرت ( سفر نامه نوشته است ) همچنین در ترجمه عنوان یکی از

کتابهای نخستین باب اشتباه کرده است و آن کتاب زیارتنامه است گوینو آنرا « کتابی راجع

بزیارت خود » ترجمه میکنند ( مؤلف ) . ( رجوع شود به الحقات مترجم ) (۲) مذاهب و فلسفه ها و غیره

بود که در همین دارالعلوم کمبریج به تحصیل اشتغال داشت و امروز خودش یکی از متفکرین معتبر و مبتکر هندوستان بشمار میرود و در حق ملاصدرا در کتاب کوچک و بسیار عالی خود موسوم بتوسعه حکمت الهی در ایران: جزئی از تاریخ فلسفه مسلمین ص ۱۷۵<sup>۱</sup> شرحی می نگارد اما در باب حاجی ملاحادی سبزواری بیشتر تفصیل داده (ص ۹۵ — ۱۷۵) و وی را جانشین ملاصدرا می شناسد. چنانکه بعد مذکور خواهد شد حاج ملاحادی برخلاف ملاصدرا مطالب را بفارسی نگاشته و گرد عبارات عربی نگاشته است.<sup>۲</sup>

در اینجا لازم است گفته شود که ملاصدرا احترام نفوذ شیخ محیی الدین العربی و اعتقاد بسیار نسبت بشیخ محیی الدین ابن العربی مغربی معروف ابراز میداشته است و هر چند مغربی ایرانی نبوده اما نفوذش در ممالک و مذاهب افراطی فلسفه و عرفان ایران از اغلب حکما و عرفا بیشتر است.

#### ۴ — ملاحسن فیض کاشانی

محمد بن مرتضی الكاشانی که او را محسن متخلص بفیض مینامند از اهل کاشان و چنانکه گفتیم شاگرد خاص و محبوب و داماد ملاصدرا بود. در روضات الجنات (۹ - ۵۴۲) و قصص العلماء از احوال او بیشتر از اسنادش نقل نموده اند. و چون نه تنها فقیه و حکیم بوده بلکه در شعر نیز دست داشته احوالاتش در ریاض العارفین (ص ۶-۲۲۵) و مجمع الفصحاء (جلد دوم ص ۶-۲۵) مسطور است.

ملاحسن فیض  
تاریخ وفات در حدود  
۱۰۹۱/۱۶۸۰

فعالیت او در راه تحقیق و تحریر فوق العاده بوده بنا بر مندرجات قصص العلماء قریب دویست کتاب و رساله تألیف کرد و کمتر کسی از معاصرین یا متقدمین در کثرت تصنیفات از او سبق

فعالیت خارق العاده  
او در تألیف و تصنیف

(۱) لندن لوزانو کمپانی ۱۹۰۸ Development of metaphysics in Persia: a contribution

to the History of Muslim Philosophy محمد انبال فلسفه شخصی خود را در یک مثنوی فارسی موسوم به اسرار خودی بیان کرده (و بنا بر فهم و استنباط من عقیده او نوعی از افکار و فلسفه نیچه Nietzsche است بلباس مشرقی) این مثنوی در مطبعه دارالعلوم لاهور چاپ شده و رفیق و همکار

من دکتر ر. نیکلسون آنرا ترجمه بانگلیسی نموده «لندن ما کمیلان و کمپانی ۱۹۲۰»

(۲) کتب عربی هم دارد مثل منظومه و شرح اسماء (که شرح جوشن کبیر و دعای صباح است)

و حواشی بر اسفار و غیره. (مترجم)

الشرطية الواقع وكحل الملازمة الكافية فريضة محاربة جباية على اوراقنا ونصنفنا اولى من انما ذكرنا من <sup>الحاصل</sup>  
 لا يحرم بالملازمة المحال بين امر اخر اريد به انه بعد ايجاد المحال محال لا يحرم بالملازمة منه وبين امر اخر وان  
 وجه فيها ليس سببه لو وجد ما بين محال بين امر اخر عزم الملازمة منها قطعانا، على قسم من ان محال الملازمة  
 حيلة الحكم ما نه لو وجد كذا او على قسم يرد وهو ان محال كذا ان قيد الاوضاع <sup>فقد علم</sup> <sup>فقد علم</sup>  
 سببه الحكم انه لا يصلح له الا على عالم الواقع والطوره واه او اذ صرح احد المحال لغو ان لا يمكن الا على  
 حتى يظهر محال انه بان كونه ام لا الزا انا على نفس الامور لا فرق فيما كان محالاً بطريق استعمال  
 اختلف فحسبه لا يبرر الا عرف بعد الشرطية استعمل فيها وانما استعملت معده مما تاليها من شرطية  
 المذكور وان محال الكافه ومنها ان محال المذكور انما اذ هو لا يكاف مع الاخذ المذكور وطول الاعراف بالمقصود  
 وبعد الاعراف بعد الشرطية يفرق اليها ان محال الواقع فغير المقدم انما كانت في الواقع ويطهر ان  
 الاخذ المذكور كما كان محالاً على الامر: انما على الامر وشي انما كانت الشرطية لا يحرم للعقل بحسب الواقع  
 على القول المذكور اي لعقلنا كونه محرم باستعمال محال شرعاً من غير ان يرد منه ذر ونفسه في شرع  
 اصلاً وهو طمانه وادار سببه فثبت كذا في شرح الهموم <sup>الاول</sup> <sup>الاول</sup> <sup>الاول</sup>

خطا محسن فاض

فصل في

برده اند مگر ملا محمد باقر مجاسی . در قصص العلماء اسم ۶۹ کتاب او نوشته شده که آخرین آنها شرح الصدر ۱ در احوال خود مؤلف است اما در روضات ( ۵۴۵-۶ ) راجع بتألیفات او شرح مفصلتری مسطور و سال تألیف اغلب آنها نیز مذکور است ( تاریخ تألیف این کتب در فاصله سنوات ۱۰۲۹/۱۶۲۰ و ۱۰۹۰/۱۶۸۰ بوده است ) در سال ۱۰۹۰ که بعضی آنرا تاریخ وفاتش میدانند هشتاد و چهار سال از سنین عمرش میگذشته است . از اینقرار تولدش در حدود ۸/۱۰۰۶ - ۱۵۹۷ واقع میشود از مفاتیح الشرایع تألیف ملامحسن یک نسخه در دست دارم که علی الظاهر خط مؤلف است تاریخ تحریرش سنه ۱۰۴۲/۳-۱۶۳۲ است

هنگامیکه ملامحسن عازم شد که خانواده خود را در کاتبان

### فال مناسب

ترك کرده بشیر از رفته و در مجلس درس سید ماجد بحرینی عالم معروف حاضر شود پدرش اجازه نداد و عاقبت موکول بتفأل قرآن و اشعار منسوبه به علی بن ابیطالب (ع) نمودند در تفأل باقر آن - سوره ذیل آمد ( سوره نهم آیه ۱۲۳ ) «فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» و از اشعار امیر المؤمنین ابیات ذیل آمد که کلمات «سحبه ماجد» بسیار مناسب افتاد زیرا که اشاره باسم سید ماجد سابق الذکر بود .

وسافر ففی الاسفار خمس فوائد

تغرب عن الاوطان فی طلب العلی

وعلم و آداب وصحبة ماجد

تفرج هم و اکتساب معیشة

وقطع الفیافی و ارتکاب الشدائد

فان قیل فی الاسفار ذل و محنة

بدار هوان بین ذل و حاسد

فموت الفتی خیر له من قیامه

بعد از این امر صریح دیگر پدر ملامحسن را مانع نشد و اجازه داد که بشیر از برود ملا محسن هم بیلده مزبوره رفت و نزد سید ماجد، شارالیه و ملا صدیقی بتحصیل مشغول گردید . در قصص العلماء تاریخ این مسافرت سنه ۱۰۶۵/۵ - ۱۶۵۴ ثبت شده ولی قابل قبول نیست زیرا که در اینصورت در سن شصت سالگی باید بطور جدی مشغول تحصیل شده و دختر ملا صدیقی را گرفته باشد .

( ۱ ) این کتاب در ۱۰۶۵ / ۵ - ۱۶۵۴ تحریر یافته است رجوع کنید به

روضات الجنات ص ۵۴۶ در چاپ هندوستان قصص العلماء بخطا آنرا شرح الصور نگاشته اند .

( ۲ ) روضات الجنات ص ۵۴۲ و ۵۴۹

صاحب قصص العلماء ملا محسن را اخباری صرف و صوفی  
ضدیت شیخ احمد  
و از معتقدین شیخ محیی الدین ابن العربی دانسته است شیخ  
احسنائی با ملا محسن  
احمد احسنائی که بنا بر آنچه گفتیم ۱ شروحن بر دو  
جلد از کتب ملا صدرا نگاشته خیلی از ملا محسن متنفر بوده و او را  
بجای « محسن » « شیئی » میخوانده و شیخ محی الدین بزرگ را مهیت الدین  
میگفته است ، در قصص العلماء حکایتی شبیه بافسانه دیده میشود از اینقرار : « در  
زمان شاه عباس شخصی را پادشاه فرنگ فرستاد که ایرانیان را بدین نزاری  
هدایت نماید . و آنرسول کارش آن بود که هر که چیزی در دست میگرفت اوصاف  
آن شیئی را بیان میکرد ۲ ملا محسن تسبیحی از تربت  
سید الشهداء علیه السلام بدست گرفت آن شخص در دریای  
فکر غوطه‌ور شد و چون اصرار کردند که باری چیزی  
بگو گفت : « عاجز نمانده ام ولی بقاعده خود چنان می بینم که در دست تو قطعه  
از خاک بهشت است و الان فکر کردن من از این بابت است که خاک بهشت  
چگونه بدست تو رسیده است » ملا محسن راست گفتی و بیان کرد که  
چه در دست داشته و او را متقاعد کرد که دین اسلام بپذیرد و بنا بر قول صاحب  
کتاب آن شخص بدین اسلام درآمد . ملا محسن اگرچه در بسیاری مواقع  
نهایت تقدس و تقوی ابراز میداشت بر خلاف فقها غنارا جایز میدانست . بهترین  
تألیف فارسی او ظاهراً ابواب الجنان است که در ۱۰۵۵ / ۱۶۴۵ تدوین شده و  
موضوعش ۳ صلوة و لزوم آن است ۴ اما از تألیفات کثیره او عده قلیلی  
بطبع رسیده و اکنون متداول است و در این عصر اسم او را مردم بهتر از  
تألیفاتش می شناسند . ۵

(۱) حاشیه ۲۶۱ این کتاب (۲) ابن را خبی و ضمیر گویند بترجمه که از چهار مقاله کرده ام  
رجوع کنید صفحه ۶۴ و نمره ۲ از اوراق ملصقه و ص ۱-۱۳۰ (مؤلف) بحواشی چهارمقاله صفحه  
۲۰۶ رجوع شود (مترجم) (۳) ظاهراً صاوة جمعه و بدین اضحی و فطر مقصود است (مترجم)  
(۴) این کتاب را با تألیف متأخری که دارای همین اسم و موضوع اخلاق است نباید اشتباه کرد  
(مؤلف) رجوع شود بحاشیه صفحه ۲۶۰ که انتساب ابواب الجنان بفیض تردید شده است (مترجم)  
(۵) یکی از بهترین کتب ملا محسن فیض کلمات مکنونه است (ت . ز)

۵ - ملا عبدالرزاق لاهیجی

ملا عبدالرزاق  
لاهیجی

احوال شخصی که موضوع این قسمت است با ملا محسن فیض خیلی شباهت دارد زیرا که شاگرد ملا صدرا بود و در شعر فیاض تخلص میکرد ولی آثارش هر چند کمتر از فیض است امروز بیشتر رواج و طالب دارد. گویا معروف ترین کتب او یکی گوهر مراد باشد که بزبان فارسی و راجع بحکمت است و دیگری سرمایه ایمان که هم چنین بفارسی تحریر یافته و هر دو به چاپ رسیده اند. شرحی که در روضات الجنات (ص ۳ - ۳۵۲) و قصص العلماء از او نوشته اند مختصر و غیر کافی است صاحب قصص با تأسف میگوید که مؤلفاتش تمام بروفق شرع بود اما معلوم نیست که تا چه حد با اعتقاد شخصی خودش مطابق می آید و تا چه میزان محض تقیه و احتیاط این قسم چیز هارا مینوشته است و این قول صاحب قصص تا حدی مؤید عقیده گوینو است.

گوهر مراد

میر ابوالقاسم  
فندرسکی

بیش از آنچه قبلاً راجع بمیر ابوالقاسم فندرسکی گفته ام در اینجا چیزی نمی نگارم و در باب این وجود بهم که گوینو وی را یکی از سه معلم ملا صدرا دانسته است باختصار میکوشم. زیرا که علاوه بر شرح مختصری که در ریاض العارفين<sup>۱</sup> و مجمع الفصحاء از احوال او دیده می شود. و شعری که در هر دو تذکره مزبور عیناً تکرار یافته. و شمه<sup>۲</sup> که در دبستان<sup>۳</sup> راجع باو مسطور است و ویرا بمرافقت و مشارکت با شاگردان کیوان و پرستش آفتاب منسوب می سازد دیگر نسبت به احوال و طریقه فلسفی او چیزی بدست من نرسیده است. علی الظاهر بهتر است که او را قاندر بنامیم تا فیلسوف و گویا در فضای اصفهان که مرکز شیعه اثنی عشری بود حوصله بر وی تنگ شد و مجبوراً از آنجا رخت بپندوستان کشید و اگر بقول صاحب ریاض العارفين که گوید مزارش در اصفهان معروف و معلوم است اعتماد بتوان کرد فندرسکی در اواخر عمر باید از هند بایران مراجعت کرده باشد. گوینو (ص ۱۱۰ - ۹۱) چند نفر از حکمائی را که بعد از ملا صدرا ظهور کرده اند تا زمان توقف خودش در ایران اسم میبرد اما اغلب دارای

(۱) ص ۶ - ۱۶۵ (۲) ترجمه شی و ترویر «لندن ۱۸۴۳» جلد اول ص ۱ - ۱۴۰.

اهمیت و ابتکار خاصی نبوده اند و ما در اینجا فقط بشرح یکنفر دیگر از حکما می پردازیم که در زمان گوبینو حیات داشته است و مشارالیه در عاقلش می نویسد « شخصی مطلقاً بی نظیر » است

۶ - حاجی ملاهادی سبزواری

لازم نیست که مفصلاً راجع باین حکیم عهد جدید بحث نمائیم زیرا که شیخ محمد اقبال در آخر کتاب خود موسوم به «توسعه الهیات در ایران»<sup>۱</sup> عقاید فلسفی او را مفصلاً نگاشته است. و من

حاجی ملاهادی سبزواری

ولادت ۱۲۱۴/۸-۱۷۹۷

وفات ۱۲۹۵/۱۸۷۸

هنگامی که در زمستان ۸ - ۱۸۸۷ در طهران نزد یکی از شاگردانش تحصیل می کردم شمه از حالات استاد را یادداشت نموده و ترجمه انگلیسی آنرا در کتاب خود «سالی میان ایرانیان» درج و نشر کرده ام. ۲ مطابق این شرح که قسمتی از آن نقل قول پسر حاجی ملاهادی است حکیم مزبور پسر مهدی بوده و در ۱۲۱۴ / ۸ - ۱۷۹۷ تولد یافته و بدو در مسقط الرأس خود سبزواری شروع بتحصیل کرده سپس بمشهد و اصفهان رفته نزد ملاعلی نوری نامذ کرده است. بعد از حج گذارش بکرمان افتاد و از آنجا زنی گرفت و بسبزواری رفته و بقیه ایام حیات را در این شهر بسر برد و در ۱۸۷۸ / ۱۲۹۵ بدرود جهان گفت.

مؤلفات مشهوره فارسیه او عبارتند از اسرارالحکم و شرح

آثار حاجی ملاهادی

لغات و عبارات مشکله مشنوی و بحر بی منظومه در علم منطق

و منظومه در حکمت سروده و تفسیری بر دعای صباح و جوشن کبیر نگاشته. و حواشی متعدده بر شواهد الربویه و سایر مصنفات ملاصدرا تحریر کرده است در شاعری اسرار تخلص داشته و صاحب ریاض العارفين (۲ - ۲۴۱) مختصری از احوالش را نگاشته و میگوید در حال تحریر (سنه ۱۲۸۷ / ۲ - ۱۸۶۱) شصت سال از عمر شریفش میگذرد. اغلب تألیفاتش در ایران چاپ سنگی شده است.

۳ علوم - ریاضیه و طبیعیه و فنون غریبه خفیه

چنانکه گفته شد ریاضیات و طبیعیات و ماوراء الطبیعه (یا ما بعد الطبیعه)

اجزاء فلسفه نظریه محسوب میشوند. و اینکه فلاسفه اسلام

قبل از هر تجربه واستقرار و تحقیقی در عوامل و حوادث

تطور علوم عرب و نسبت آن با حکمت



طبیعی اظهار نظر و اتخاذ عقیده میکرده اند گویا سببش همین است که آنها را جزء فلسفه نظریه میدانسته اند و آن نظر در وقایع طبیعی می نگریسته اند. علومی که موسومند به عربی یا اسلامی کلیه میراث یونان هستند دوره مشعشع علوم در قرن نخستین خلافت عباسیان بوده ( ۷۵۰ - ۸۵۰ ) و خلفا خاصه منصور و هارون و مأمون بذل جهد و صرف وجه میگردند که مؤلفات فلاسفه و طبیعیون و اطباء یونانی در نهایت خوبی و دقت به عربی ترجمه شود و خدمت بزرگی که بانسانیت کرده اند اینست که علوم یونانی را در ایام مظلم قرون وسطی حفظ کرده بزمان تجدد بزرگ ( رنسانس ) انتقال داده اند

اینقدر متیقن است امام مسئله مشکلتی باقی است که هنوز حل  
عربها بر میراث یونانیان  
نشده و آن اینست که آیا عربها فقط حامل و ناقل علوم یونانی  
چه افزودند؟  
بوده اند یا تغییر و افزایشی هم در آن روا داشته اند و اگر

تغییر و اضافه در آن شده آیا نسبت باصل ترقی و تکامل محسوب میشود یا نه. راجع  
باین مسائل خاصه آنچه در بوط بطب است من در کتاب « طب عربی »<sup>۱</sup> بحث کرده ام  
اما چون اطلاع کامل از کتب اصلی یونانی بدست نیاوردم خیلی بزرگمت افتادم .  
اگر کسی بخواهد در زمینه طب و ریاضیات و طبیعیات و نجوم و شیمی مسلمین  
سخن براند باید دارای سه صفت باشد که کمتر در یک نفر جمع تواند شد اولاً  
آشنائی با علمی که تحت مطالعه قرار میگیرد . ثانیاً دانستن زبان عربی (و برای فهم  
کتب اخیره دانستن زبان فارسی و ترکی نیز) ثالثاً دانستن زبان یونانی . در خصوص  
طب من اینطور نتیجه گرفتم که ابو بکر محمد بن زکریا -

#### مقام تحقیق

الرازی در طب خیلی بالا تر از ابوعلی سینا که از او مشهور  
محمد بن زکریا الرازی  
تراست بوده و گویا بزرگترین طبیب عالم اسلام است. (عقیده

دکتر ما کس نو بورگر Neuburger هم در کتاب مهمی که بنام تاریخ طب<sup>۲</sup> نوشته قبل  
از من همین بوده است) یادداشتهایی که راجع بامراض و حالات مختلفه مرضی در کتاب  
بزرگ « الحاوی » ثبت کرده امروز هم مفید و معینی به است و علاوه بر فوائد  
تاریخی و ادبی منافع عملی نیز دارد . و از روی مطالب آن یادداشتها حتی ممکن  
است طرز عمل و معالجات او را تشخیص داد . ابوعلی منطقی تر و منظمتر و فلسفی تر بود

(۱) صفحه VIII + ۱۳۸ مطبعة دارالفنون کمبریج ۱۹۲۱ (۲) جلد دوم قسمت

اما تحقیقات و تفحصات بقراطی را که سلف بزرگوارش داشت فاقد بود .

در کتاب طب عربی تاریخ ظهور و تطور این فن را در میان  
**انحطاط علوم پس** مسامین از ابتدای قرن هشتم میلادی تا قرن دوازدهم بطور  
**از هجوم مغول** اجمال نوشته ام ولی تاریخ مزبور را تا زمانیکه در این کتاب  
 مطرح است امتداد نداده ام بنحویکه بارها گفته و مبالغه کرده ام علوم مسامین در قرن  
 سیزدهم بواسطه حمله مغول چنان صدمه و ضربت مهلکی دید که هنوز هم بهبودی  
 نیافته است هر چند کتب طبی و علمی بعد از مغول هم برشته تحریر در آمد اما  
 یقین نداریم که پایه کتب اوائل عهد عباسیان تا قرن یازدهم و حتی قرن سیزدهم  
 میلادی رسیده باشند . و ابد نمیتوان احتمال داد که بعد از مغول چیز تازه و صحیحی  
 بعلم اضافه شده باشد ولی باز هم اقرار میکنم که بدقت در اینخصوص مطالعاتی  
 نموده ام صورت مفصلی از اسامی این کتب در تألیف بسیار مفید کتر ادلف فونان  
 موسوم به آثار طبی ایرانیان <sup>۱</sup> (Quellenkunde der Persischen Medizin) مندرج  
 است و برای اشخاصی که بخواهند در اینراه تحقیقاتی بکنند راهنمای خوبی بشمار  
 میرود . مشهورترین و مهمترین کتب اخیره گویا تحفة المؤمنین تألیف  
 محمد مؤمن حسینی باشد که در ۱۶۶۹ م برای شاه سلیمان صفوی نوشته است نسخ  
 بسیار چه خطی و چه چاپی از این کتاب در دست است و بر کی و عربی نیز ترجمه  
 گشته است . <sup>۲</sup>

آنچه را جم بطب گفتیم بر حیوان شناسی و گیاه شناسی و شیمی  
 و غیره کاملاً تطبیق میشود . و راجع بر ریاضیات و نجوم و معدن  
 شناسی تا درجه صدق میکند . ارباب تخصصی که از زبان  
 عربی نیز کاملاً مطلع بوده اند . در این موضوعات کتب  
 محققانه نگاشته اند مثلاً و پک Woepecke در جبر و مقابله و ویدمان در مکانیک و هیر  
 شبرک Hirschberg در کحالی از طبقه جوانان هلمیارد Holmyard در شیمی . بنظر من  
 تمام نویسندگان مذکور باین نتیجه رسیده اند که مقام علمای اسلام اگر از آنچه  
 گفته اند بالاتر نباشد پست تر نیست . اما مشکل است که خود را متقاعد سازیم  
 باینکه ملاحظه و تجربه مستقیم در تعیین خواص اشیاء و حوادث طبیعی چنانکه باید

علمای اسلام تا چه  
 پایه مطالعات شخصی  
 داشته اند.

(۱) لیبزیک ۱۹۱۰ صفحه V + ۱۵۲ (۲) رجوع کنید بکتاب فرنان ص ۸۹-۹۱ همچنین  
 رجوع کنید به B.M.P.C صفحه ۷-۴۷۶

مداخله داشته است . دکتر بذل الرحمن که اکنون معلم عربی تحقیقات جاحظ را جمع  
 بشعور مورچه مدرسۀ شرقیه لاهور است وقتی که در دارالعلوم ما بتحقیق  
 اشتغال داشت موضوع تفحصات خود را کتب جاحظ قرار داد  
 و جاحظ را بمناسبت کتاب بزرگ « الحیوان » پیشرو علمای طبیعی عرب میداند  
 دکتر بذل الرحمن که جوانی فعال و لایق است بنا بر نقاضای من توجه خاصی باین  
 مسئله معطوف داشت که آیا در کتب جاحظ دلیلی میتوان یافت که صاحب کتاب  
 شخصاً در عواید و زندگانی حیوانات مطالعات و تحقیقاتی کرده باشد یا نه .  
 بالاخره عبارتی بنظر رسید که قضیه را حل کرد . در موضوع شعور حیوانات  
 جاحظ گوید و قتی که مورچه غلات را ذخیره میکند بطوری سر و ته دانه ها را قطع مینماید  
 که دیگر نرویند . بعد از زحمات و تفحصات برای تحقیق این قول بالاخره بنا بر قول  
 مستر هوراس دینس ثورپ که یکی از اساتید علم مورچه شناسی انگلستان است بر من  
 مسلم شد که جاحظ بخطا نرفته است و امیدوار شدم که همین مطالب دلیل است  
 که آن محقق قدیم عرب شخصاً نکته را در حیات حیوانات مطالعه کرده که اغلب  
 علمای جدید از آن بیخبر بوده اند اما متأسفانه همین موضوع را بعدها در کتاب  
 پلینی<sup>۲</sup> پیدا کردم و از این جهت گمان میکنم این اطلاع جاحظ مبنی بر سماع  
 و روایت بوده نه بر تحقیق شخصی و مطالعه مستقیم در حیات مورچگان .

در هر يك از علوم عرب همین سؤال پیش می آید و جوابش  
 را فقط کسی میتواند بگوید که در کتب علمیه قدماء بجز کامل  
 داشته باشد . آیا در کتاب بزرگی که ابن البیطار بزبان  
 عربی راجع به نباتات طبی نوشته مطلبی هست که در کتاب دیوس کوریدس<sup>۳</sup> نباشد؟

### علوم جدید اروپائی در ایران

(۱) مثلاً : در تاریخ APERT و علمای طبیعی عرب ( کوتین کن ۱۸۴۰ ) تالیف وستنفیلد  
 صفحه ۶-۲۵ ( نمره ۶۵ ) نظریه دکتر پرو کاهن صحیح است . تاریخ ادبیات عرب جلد اول صفحه  
 ۱۵۲ ) اما انتقادها که از ملاحظات دکتر ل . او کارک کرده بزحمت میتوان پذیرفت ( تاریخ  
 طب عرب جلد اول صفحه ۳۱۴ ) (۲) پلینی عالم طبیعی رومی است کتابی در تاریخ طبیعی در  
 ۳۷ مجا نگاشته که بهترین مجموعه علوم عهد قدیم است در سنه ۷۹ بعد از میلاد هنگام آتش فشانی  
 کوه وزوو برای رها کردن بیچارگان و مطالعه احوال طبیعی آتش فشان نزدیک محل انفجار  
 رفت و بواسطه بخارات مسموم خفه شد ( مترجم ) (۳) Dioscorides از اطباء یونانی است که در قرن  
 اول میلادی میزیسته ( مترجم )

جواب سؤال مزبور هر چه باشد این نکته مشکوک می ماند که آیا علمای مسلمین در قرون اخیر از اسلاف خود پیش رفته حتی بر تبه و پایه آنها رسیده اند یا نه؟ در این اواخر خاصه بعد از تاسیس دارالفنون یعنی اوایل عهد ناصرالدین شاه چندین ترجمه یا اقتباس از کتب علمی اروپائی شده اما این ترجمه ها عموماً بانثائی غریب است و بزحمت اسم آنها را میتوان در ادبیات ایران داخل نمود. عده از آنها را در کتاب « مطبوعات و شاعری ایران جدید » صفحه ۶۶-۱۵۴ نام برده ایم و عنوان این قسمت چنین است: « تأثیرات تجدد آور در عالم مطبوعات غیر از مجلات و جرائد » اما از ایرانیانی که بعد از او اسطر قرن سیزدهم هجری در مدارس اروپا تحصیل کرده و باخذ درجه علمی نائل شده اند هیچکس را نمیشناسم که در اختراع و ابتکار کشفیات جدید کسب افتخار و شهرتی کرده باشد.<sup>۱</sup>

در خاتمه لازم است کلمه چند راجع بعلم خفیه بنگاریم این علوم شامل نجوم و کیمیا میشوند زیرا که در مشرق زمین نجوم و کیمیا را از هیأت و شیمی جدا نمیدانند در عربی و در فارسی شیمی را کیمیا میگویند و اسم چهار علم دیگر را نیز که از طلسم و جادو و نیرنگ بحث مینمایند بهمان شکل درست کرده اند آنها را لیمیا و هیمیا و سیمیا و ریمیا میخوانند و حروف اولیه این پنج علم از کلمات « کله سر » مأخوذ است یعنی این علوم تمام سری است و کتاب موسوم باسرار قاسمی<sup>۲</sup> که فارسی است و کتاب شمس المعارف<sup>۳</sup> تألیف

(۱) دکتر محمد کرمانشاهی معروف بکفوری که در سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ وفات یافت در امراض قلبی متخصص شد و اول کسی بود که دقت اطباء را بیک طپش خفیف قلبی متوجه ساخت این صدا را به فرانسه آمبولان Ampiolement مینامند و از عوارض و خواص آمبولیسم — Embolism است که دکتر محمد در آن باب رساله بزبان فرانسه منتشر نموده است دکتر مشار-

الیه چندین کتاب طبی راجع بامراض نسوان و اطفال بزبان فارسی نوشته است. ت. ز من نتوانستم از این کشفی که بدکتر محمد نسبت داده اند اثری بیابم و حتی کلمه فرانسوی

که با این معنی مناسب باشد نیافته ام و حدس میزنم شاید آمبی لمان «Empilement» باشد در این باب با دو نفر از معارف اطبا نیز مشاوره نموده ام و ایشانهم اطلاعی نداشته اند (مؤلف)

(۲) چاپ سنگی در بهمنی سال ۱۸۸۵ و ۱۸۹۴ (۳) نسخه چاپ ۱۳۱۸/۱۹۰۰ در دست من است اما چند چاپ دیگر هم از این کتاب در هند و مصر منتشر گشته است

شیخ‌البوننی معروف که عربی است نمونه‌های این قبیل مؤلفات بشمار میروند. و از این قسمت ادبیات حکایت میکنند. تا جائی که من اطلاع دارم ابن خلدون تنها نویسنده است از مسلمانان که سعی کرده است یک اساس فلسفی و عقلانی باین علوم ادعائی بدهد و پرفسور دنکان بلاک مکدونال با کمال مهارت در کتاب جناب و شیرین خود موسوم به «وضع و حیات دینی در اسلام» The religious Attitude and Life in Islam<sup>۱</sup> افکار و آراء ابن خلدون را با تحقیقات روحی عهد جدید مطابقت و مقایسه کرده است. من همیشه در مقابل قوت و قدرتی که جن گیران و جادوگران ادعا میکرده اند نظری باز و خالی از تعصب داشته ام و هر وقت ممکن بوده از طریق خود منحرف شده و مدتی در پی تحقیق و تفتیش اعمال آنها صرف وقت نموده ام و همیشه نوید بر گشته ام مگر در دو مورد یکی در تابستان ۱۸۸۸ هنگام توقف در کرمان که جادوگری را دیدم که در ضمن اظهارات بیجا و بی اساس خود کاری کرد که بکلی از فهم آن عاجز مانده متحیر شدم<sup>۲</sup> دیگر شیخ حبیب احمد مؤلف کتاب انگلیسی حیرت بخشی موسوم به اسرار اصوات و اعداد<sup>۳</sup> را دیدم که اگر تمام مدعیات او را قبول نکنم لااقل باید گفتم که در خواندن سرائر و ضمائر نهایت مهارت و قدرت را داشت.

#### ۴ تواریخ - عمری و اختصاصی و محلی

با کمال تأسف و برخلاف میل قلبی باید اذعان کرد که در تالیف کتب تاریخی ایرانیها خیلی از عرب عقب مانده و قوم اخیر اند که در این رشته ادبی گوی سبقت زبوده اند. وقایع نگاران قرون اولیه اسلام مثل طبری عباراتشان عیناً نقل قول شهودی بوده که بچشم خود وقایع را دیده و اخبارشان با تفوق عرب بر ایرانیان اهتمام و دقت تمام از میان سلسله روایات بمورخ میرسیده است از حیث تاریخ نویسی این وقایع نگاران نه تنها مطالب را بر طبق حقیقت نقاشانه ترسیم میکرده اند بلکه از آن ازمنه بعیده مواد تاریخی مفیدی در دسترس ما گذاشته اند که بنا بر اسناد مندرجه صحت و سقم آنها را میتوانیم مورد بحث و تحقیق قرار بدهیم هر چند راجع بصحت قول روایات و استحکام سلسله اخبار رأی ما بامسلمین متفاوت است مورخین عرب که بعد ها آمدند این اقوال و اسناد گرانها و خستگی

(۱) مطبعة دارالعلوم قیقا کو ۱۹۰۹ (۲) رجوع کنید بکتاب بن «سالی در میان ایرانیان» صفحه

۴۵۳-۵ (۳) لندن نیکلس و کمپانی ۱۹۰۳ صفحه XIV + ۲۱۱

آوردن خلاصه کردند و فشرده و پاك نمودند ولی عبارتشان لطافت و ایجاز سابقین را از دست نداد و مثل عبارات وقایع نگاران عهد قدیم نقاشانه و متقاعد کننده بود. بهترین مورخان زبان فارسی هم تا قرن سیزدهم اگر چه در لطافت و کشندگی به پایه عربها نمیرسند لیکن مردمان لایق و قابل اعتمادی بوده اند. <sup>۱</sup> بی ذوقی و کج سلیقه‌گی سلاطین و حکام مغول و ترك اسباب فساد و خرابی تاریخ را فراهم آورد و انشاء مطاب را ضایع کرد. این حالت در تاریخ جهانگشای **تأثیر مضر تاریخ و صاف** جویبی (که در حدود ۱۲۶۰/۶۵۸ تألیف گشته) <sup>۲</sup> و در

تاریخ و صاف که در ۱۳۱۲/۷۱۲ بانجام رسیده و دنباله تاریخ جویبی محسوب میگردد نمایان است سابقاً گفتیم که تاریخ و صاف چه اثر بد و مخربی در تاریخ نویسی قرون بعد نموده است. در میان تواریخ اخیرة فارسی کمتر کتابی دیده ام که بسایه تاریخ تجارب السلف تألیف هند و شاد بن سنجرا بن عبدالله الصاحبی الکیرانی که در ۱۳۲۴/۷۲۴ برای نصره الدین احمد اتابک لرستان نوشته شده است برسد. و اتفاقاً این کتاب هم تقلید و رو نویسی تاریخ عربی است که صفی الدین محمد بن علی العاوی الطقطقی (در سال ۱۳۰۲/۷۰۱) تألیف کرده و معبولا آن را کتاب الفخری میگویند <sup>۳</sup> اما در اینجا موسوم است به منیة الفضلا فی تواریخ الخلفاء و الوزراء. کتاب تجارب السلف در ذوق اهل این عصری که تحت بحث است مقبول نیفتاد زیرا که نه تنها تا کنون بنویز طبع آراسته نشده بلکه تا جایی که اطلاع دارم جز دو نسخه آن موجود نیست یکی نسخه من که سلامت است. <sup>۴</sup> دارد و در سنه ۱۲۸۶/۱۸۷۰ نوشته شده و دیگر نسخه

(۱) البته مؤلف مقصودش از مورخان عرب که برتر از ایرانیان هستند اشخاصی است که بزبان عربی تاریخ نوشته اند که کتابشان بر تواریخ فارسی مرجع است اعم از ایرانی نژاد و عرب نژاد و الا طبری و ابوریحان و حمزه و ابوالفرج و اکثر اشخاصیکه تاریخشان بزبان عربی است اصلاً ایرانی بوده اند (مترجم) (۲) جهانگشا از کتب بسیار معتبر اوایل عهد ساطة مغول است و در سال ۶۵۵ بیان رسیده و انشاء آن در کمال اسنادی و بلاغت است (مترجم) (۳) دفة اول آلوارد Alwardt از روی نسخه پاریس آنرا در گوتا در سنه ۱۸۶۰ بطبع رسانید اما نسخه مصحح این کتاب در ۱۸۹۵ در پاریس بتوسط درنبروک H. Derenbourg چاپ شده و لااقل دو مرتبه هم در نهایت خوبی در مصر بطبع رسیده است. ترجمه فرانسه آنهم بقلم امیل امادو بتوسط «جمعیت مطالعات راجعه بهراکش» در ۱۹۱۰ در پاریس منتشر گردید.

کتابخانه ملی پاریس<sup>۱</sup> که تاریخ تحریر آن ۱۳۰۴/۷-۱۸۸۶ است.<sup>۲</sup> موجب ملال و عاری از فایده خواهد بود که تمام کتب تاریخی بعضی از تواریخ چهار قرن اخیر ایران را نام ببریم. تواریخ مربوطه بزمانهای معتبره عصر اخیر خاص را در قسمت نخستین این کتاب نام برده بلکه بتفصیل وصف کرده ایم مخصوصاً صفوة الصفا در احوال شیخ صفی الدین جد - لاطین صفوی و حالات شاه اسمعیل بنقل از سرا - دنی سن راس در مجله انجمن همایونی آسیائی در ۱۸۹۶ صفحه ۸۳ - ۲۶۴. واحسن التواریخ حسن روماو که در ۸-۱۵۷۷/۹۸۵ تألیف شده و تاریخ عالم آرای عباسی اسکندر منشی که در ۱۰۲۵/۱۶۱۶ تدوین یافته است. غیر از اینها چندین تاریخ دیگر راجع باحوال اشخاص معین در اواخر عهد صفویه نوشته شده است مثل فوائد صفویه ( ۱۲۱۱/۷-۱۷۹۶ ) و تذکره آل داود ( ۱۲۱۸/۴-۱۸۰۳ ) که اگر در دسترس می بود برای تصنیف این کتاب با آنها رجوع مینمودم اما متأسفانه بدست نمی آید. در باب عهد بعد از صفویه چندین کتاب اروپائی موجود است که ما را از تواریخ فارسی تا اندازه بی نیاز میکند. اما تواریخ فارسی بعضی از آنها مثل تاریخ زندیه<sup>۳</sup> و مجمل التاریخ بعد النادریه<sup>۴</sup> در اروپا طبع شده و برخی در ممالک شرقی در مطابع سنگی چاپ گردیده است از قبیل دره نادری میرزا مهدیخان استرآبادی که بسهولت بدست توان آورد. این تواریخ اختصاصی غالباً حاوی مطالب سودمند است و اشخاصیکه راجع باین دوره مطالعه العانی میخواهند بکنند ناگزیر از مراجعه آنها خواهند بود اما افسوس که طرز تدوین و تحریر آنها بسیار مغشوش و مغلق است و عبارت پردازی و اظهار فضل و ایراد لغات غیر مأنوسه فائده آنها را تقلیل داده است و در این باب پیش از این شکایت کرده ایم. در باب تواریخ عمومی این عصر مثل حبیب السیر خوانند میر فقر اغلب تواریخ عمومی فارسی ۹۲۹ / ۱۵۲۳ و ملحقات روضة الصفا تألیف رضاقلی خان هدایت و ناسخ التواریخ لسان الملك و تاریخ کامیاب خلد برین ( ۱۰۷۱ / ۱ - ۱۶۶۰ ) چیز زیادی نمیتوان نوشت زیرا که تمام این تواریخ راجع بحوادث زمان مؤلف با تواریخ مختصه سابق الذکر

(۱) رجوع کنید با فورست نسخ فارسی و غیره تألیف باوشه (پاریس ۱۹۰۵) جلد اول صفحه ۲۵۱  
شماره ۲۳۷ = تمه فارسی ۱۵۵۲ (۲) این کتاب در ۱۳۱۳ بتوسط آقای اقبال آشتیانی در طهران طبع گردید (مترجم) (۳) چاپ ارنست پیرلیدن ۱۸۸۸ (۴) چاپ اسکارمان لیدن ۱۸۹۱

تفاوتی ندارند و راجع بوقایع قرون سالفه هم چندان اهمیتی برای آنها نمیتوان قائل شد زیرا که از کتب سابقین التواطین کرده و در تشخیص اسناد و ترتیب وقایع کمال بی مواظبتی بخرج دادند و این تواریخ تاریخیات ایران محسوب نمیشود بلکه اشغال سرگذشت سلاطین و شاهزادگان و امرای خارجی است که بی دربی براهل ایران جابرا نه سلطنت کرده و در میدان غارتگری از یکدیگر گوی سبقت ربوده اند . و سالنامه خستگی آور خونریزی ها و چپاول ها و تظاول هائی است که بزحمت میتوان يك موضوع عمومی گرانبھائی از آنها استخراج کرد . فقط پس ازرنج فراوان و صبر بی پایان میتوانیم نکاتی از آنها بیرون بیاوریم که نورضعیفی بر اوضاع و مسائل مذهبی و سیاسی و اجتماعی یفکند و همین مطالب است که اگر درست مورخ مثل ابن خلدون میافتاد نتایج استنادانه از آنها استخراج میکرد .

معذک در عصر جدید آثار امید بخشی در پیشرفت تاریخ

مشاهده میگردد . میرزا جانی کاشانی که در ۱۸۵۲ جزء

مقتولین دفعه اول بایه کشته شد تاجری بود . بی بضاعت

ادبی و کتاب تقطه الکاف را ۲ در تاریخ بایه با حرارت و تشدد و نصیبت

نگاشت اما اطلاع کامل داشت و عباراتش ساده و عاری از اغلاق و عبارت پردازی

های مطعون و منفور بود . تاریخ ناتمام بیداری ایرانیان تألیف ناظم الا-لام

کرمانی ۳ که ذکر اسناد کرده و نشود اشخاص را در وقایع سیاسی مورد

بحث و توجه قرار داده بنظر من از جنس دیگر است و مقامش بالاتر از تمام

تواریخ فارسی است که در شش یا هفت قرن اخیر تحریر یافته است .

علائم ترقی در

عصر جدید

(۱) رجوع نمائید بر اصلاحات صحیحه که مستروین سمت اسمیت در این باب نموده و در تاریخ اکبر

شاه ۷ - ۲۸۶ منتشر ساخته است . (۲) در ۱۹۱۰ چاپ شد و جلد پانزدهم سلسله انتشارات اوقاف

کتاب محسوب میگردد . (۳) این کتاب چاپ سنگی شده و جزو جزوه انتشار یافت و تا اندازه که

بلاست من رسیده محتویاتش عبارتست از مقدمه ۲۷۳ صفحه جلد اول که در ۲۰ ذوالقعدة ۱۳۲۸

(۲۳ نوامبر ۱۹۱۰) با تمام رسیده و رشته تاریخ را تا موقعیکه آنرا هجرت صغری ( دسامبر

۱۹۰۵ ) نام گذارده ادامه میدهد عدد صفحات جلد اول ۲۵۶ است . جلد دوم در آخر صفر

۱۳۳۰ ( ۱۸ فبرای ۱۹۱۲ ) خاتمه یافته و مشتمل بر ۲۴۰ صفحه است اما بهیچوجه اطلاع

ندارم که این تألیف بانجام رسیده است یا نه .



## ۵ - احوال رجال - سرگذشت‌های شخصی - سفرنامه ها

نویسندگان اسلام همیشه رغبت فوق‌العاده بنگارش کتب رجال  
متداول بودن کتب  
رجال فیما بین مسلمین  
نشان داده اند و این کتب معمولاً از عموم بزرگان از هر صنف  
و طبقه بحث نموده و حیات آنها را شرح میدهند مثل وفیات الاعیان  
ابن خالکان و روضات الجنات که در قسمت‌های اخیر این مجلد مطالب بسیار از آن  
اقتباس نموده‌ام. وفیات الاعیان در قرن سیزدهم میلادی و روضات در قرن نوزدهم تألیف یافته و  
هر دو عربی است. دیگر از کتب رجال نامه دانشوران است که چه‌می از فضلا (قریب شش نفر)  
بتحریر آن همت گماشتند این کتاب بفارسی جدید است  
انواع مختلفه کتب  
رجال  
و طرح وسیع و مفصلی در آن پیش بینی شده لیکن نا تمام  
مانده و فقط جلد اول آن در ۱۲۹۶ / ۱۸۷۹ و جلد دوم در  
۱۳۱۲ / ۵ - ۱۹۰۴ در طهران چاپ سنگی شده است. غالباً این کتب مخصوص  
احوال طبقات معینه میشود از قبیل وزراء اطباء شعراء و علماء و گاهی بترتیب جغرافیائی  
یا تاریخی نگاشته میشود و هم بنکات جغرافی و هم مطالب تاریخی آراسته میگردد.  
دستورالوزراء خواند میر ۲ که بنا بر ماده تاریخی که در نام آن است در ۹۱۵  
/ ۱۰ - ۱۵۰۹ تألیف شده نمونه از نوع اول است و درست در ابتدای دوره که  
تحت بحث ماست قرار می گیرد. اما راجع بحکماء و اطباء هیچ کتاب فارسی  
ندیده‌ام که با تاریخ الحکماء قفطی ۳ و عیون الانباء ابن ابی اصیبعه ۴ برابری  
تواند کرد. این دو کتاب در قرن سیزدهم میلادی که زمان خاص این قبیل  
مؤلفات بزبان عربی بوده بدون گردیده اند. از طرف دیگر تذکره شعرا در  
زبان فارسی فراوان است مخصوصاً بعد از آنکه سام میرزا فرزند شاه اسمعیل تحفه  
سامی را در سنه ۹۵۷ / ۱۵۵۰ بمتابعت تذکره الشعراء دولت‌شاه نوشت تذکره  
نویسی معمول شد. سید نورالله شوشتری که جهانگیر بتحریرک سنی‌ها در سال ۱۰۱۹  
/ ۱۱ - ۱۶۱۰ بقدری او را تازیانه زد که جهانرا وداع گفت در میان هم‌مذهبان

(۱) بکتاب «شاعری و مطبوعات ایران جدید» تألیف من رجوع کنید جلد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ در طهران چاپ

شده است (مترجم) (۲) رجوع نمائید بصفحه ۳۳۵ ریزو (D.A.P.C) (۳) توسط پرورف سورج و ابوس لیبیرت

«لیبیزک ۱۹۰۳» چاپ شده است (۴) در قاهره مصر در دو مجلد بطبع رسیده «۱۲۹۹/۱۸۸۲»

خود بشهید ثالث<sup>۱</sup> ملقب است مشارالیه مؤلف کتاب بسیار سودمند مجالس المؤمنین است که شرح احوال بزرگان شیعه عرب و ایرانی از هر طبقه و از هر زمره را از شاه تا شاعر حاوی است . آثار البلاد ز کریا بن محمد بن محمود القزوینی<sup>۲</sup> و هفت اقلیم امین احمد رازی ( تألیف ۱۰۲۸ / ۱۶۱۹ ) نمونه کتب جغرافی قدیم و شرح حال های مخلوط جغرافی محسوب میشوند<sup>۳</sup> . تواریخ مختصه بلاد و ایالات ایران نیز بسیار در دست است و غالباً حاوی شرح حال بزرگان اهل محل است . در این مجلد نکات بسیار از تذکروه های جدید ایران اقتباس نموده ام مخصوصاً در فصل راجع بزمند و علمای روحانی کتاب عربی روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات خیای مرا بکار آمد

این تألیف سودمند که لایق بیش از این معرفی است شامل

### روضات الجنات

۷۴۲ شرح حال از فضلا و علمای اسلام و شعراء قدیم و

جدید است مؤلفش محمد باقر بن حاجی امیر زین العابدین الموسوی خونساری و زمان تألیفش نیمه دوم از قرن نوزدهم میلادی است . در ۱۳۰۶ / ۱۸۸۸ بانهایت خوبی در طهران چاپ شد ( جز اینکه حسب المعمول فاقد فهرست است ) . تراجم احوال را بترتیب حروف تهجی مرتب کرده مثلاً احمد علی محمد و غیره اما کاملاً مراعات آن ترتیب هم نشده است این اسامی کمتر اتفاق می افتد که نام معروف آن شیخ باشد بلکه بزرگان مزبور غالباً بالقب و اسامی دیگر شناخته میشده اند که در ترتیب القبائی در بادی نظر بنظر نمیرسد . مثلاً قسمت اعظم چهارمین و آخرین جلد مخصوص بزرگانی است که محمد نام داشته اند و تقریباً در ۱۴۳ مقاله مذکور شده اند این قسمت شامل احوال بزرگان علما زسنی و شیعه است که حالاتشان غالباً طرف رجوع و احتیاج میباشد از قبیل علمای بزرگ مثل کلینی ابن بابویه و شیخ مفید و مورخین از قبیل طبری و شهر ستانی و علماء مثل رازی و بیرونی و فلاسفه مانند فارابی و غزالی و محیی الدین ابن العربی و شعرای فارسی مثل سنائی فرید الدین عطار و جلال .

(۱) رجوع کنید بریو (B.A.P.C) صفحه ۸-۳۳۷ (۲) بخط عربی توسط و ستیفنلد (گوتینگن

۱۸۴۸) چاپ گردید و سان بعد دیگری از مؤلفاتش یعنی عجایب المخلوقات بطبع رسید .

(۳) در هفت اقلیم قسمت شرح احوال غلبه دارد . این کتاب متأسفانه هنوز چاپ نشده مولوی عبدالمقندر حواشی بسیار بر آن نگاشته و شروع بطبع هم نمود اما تا جایی که من اطلاع یافته ام فقط جزء اول آن (صفحه دهم تا ۱۱۴) در کلکته بسال ۱۹۱۸ طبع شده است . ●

الدین رومی - در این کتاب هیچ شالوده صحیح و معینی منظور نشده نه ترتیب تاریخی نه سیاق دیگری که از روی آن بتوان بسهولت اشخاص را یافت کسی که این کتاب را دارد خود مجبور خواهد بود که فهرستی برای آن مرتب کند از جمله کتب دیگری که همیشه طرف مرور و رجوع من

قصص العلماء

بوده است قصص العلماء محمد بن سلیمان تنکابنی است که

در سنه ۱۲۹۰ / ۱۸۷۳ تألیف شده . در این کتاب تقریباً احوال ۱۵۰ نفر از علماء شیعه مندرج است و هر چند که تراز روضات الجنات اطمینان بخش و صحیح است اما روشن تر و خوانا تر است دیگری از کتب مفیده فارسی

نجوم السماء و سایر کتب احوال علماء که در همین موضوع بحث مینماید نجوم السماء تألیف میرزا محمد علی است که در ۱۲۸۶ / ۷۰ - ۱۸۶۹ تألیف

شده و مشتمل بر ذکر احوال علمای شیعه در قرون یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری ( مطابق ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ میلادی ) است همچنین دو کتاب دیگر مخصوص علمای بحرین و جبل عامل نوشته شده نخستین لؤلؤة البحرين تألیف شیخ یرسلف الاحمد البحرانی است که در قرن هیجدهم میزیسته و دوم « اهل العامل فی علماء جبل عامل » از مؤلفات محمد بن حسن بن علی . . . البحر العاملی که در قرن سابق زندگانی میکرده است .

لازم است شمه هم از کتاب جدیدی که دارای اختصائص

خطاطان

و امتیاز مخصوصی است ذکر نمائیم . این تألیف هر چند از آثار یکنفر ایرانی است اما ترکی تحریر یافته و اسمش خط و خطاطان است <sup>۲</sup> در تاریخ فن خط و اهل خط مؤلفش دانشمند فاضل میرزا حبیب اصفهانی است که قسمت آخر عمر را در اسلامبول بسر برد و عضویت انجمن معارف یا آکادمی عثمانی را دارا بود .

آنچه ذکر شد اسم چند کتاب مفید و گمنام بود و اگر

فراجیم شخصی کسی بخواهد بر تمام کتب رجال و تذکر احوال اطلاع

حاصل کند باید فهرست های نسخ فارسی تألیف ربواته و غیره رجوع کند

(۱) چاپ لکنهور در سال ۱۳۰۳ / ۶ - ۱۸۸۵ (۲) چاپ بسیار منقحی از این کتاب

در اسلامبول انتشار یافت ( ۱۳۰۵ / ۸ - ۱۸۸۷ )

اما راجع بسرگذشت های شخصی مهم ترین همه تذکره احوال شیخ علی حزین است که یکن از منابع اولیه تاریخ هجوم افغان و سقوط اصفهان در ۱۷۲۲ بشماره پیرو سفر نامه ها نیز يك قسم سرگذشت شخصی است و ناصر -

### سفر نامه

الدین شاه باین رشته توجه خاصی داشته است شرح سفارت

فرخ خان امین الدوله بلندن و پاریس در پایان جنگ ۸ ۱۸۵۷ ایران و انگلیس بقلم یکی از منشیان و همراهانش موسوم به میرزا حسین بن عبدالله نگاشته شده اما هنوز بطبع نرسیده است ۱ در خانمه این سفرنامه اطلاعاتی راجع بدوایر دولتی و مؤسسات ملی فرانسه نیز مسطور است .

از اینها مهمتر و متنوعتر بستان السیاحه حاجی زین العابدین

### بستان السیاحه

شیروانی ۲ است که در تاریخ ۱۲۴۷ / ۲ - ۱۸۳۱ نوشته شده

مؤلف در ضمن شرح شماخ حالات خود را چنین بیان می کند که در نیمه شعبان ۱۱۹۴ ( ۱۵ اگست ۱۷۸۰ ) متولد شد او را در پنج سالگی بکربلا بردند و در آنجا مسکن گزیدند سفرهای طولانی کرد بعراق و گیلان و قفقاز و آذربایجان و خراسان و افغانستان و هند . کشمیر و بدخشان و ترکستان و ماوراءالنهر و خلیج فارس و یمن و حجاز و مصر و شام و عثمانی آسیا و ارمنیه و شهر های ایران از قبیل طهران همدان اصفهان و شیراز و کرمان سفر کرد . حاجی شیروانی شیعه و درویش نعمه الهی بود و از این جهت بملاقات عدد کثیری از علما و عرفا نائل شد . هوشی سرشار و دقتی فوق العاده داشت و وفایع و مشهودات سفر خود را بترتیب تاریخ مسافرت نمینگارد و آنها را تحت عناوین ذیل مرتب میسازد .

باب اول - در شرح حال حضرت خاتم النبیین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

باب دوم - حالات بعضی از علما و عرفا و حکما و بعضی از شعرا و دانشمندان .

باب سوم - در بیان بعضی مذاهب متشکله و عقاید مختلفه .

(۱) نسخه خطی من (علامت K.V) در سال ۱۲۷۶ / ۱۸۶۰ برای شاهزاده بهرام میرزا بهاءالدوله

نوشته شده و من جزء نسخ مرحوم شیندلر ابتیاع نمودم . در خصوص سفارت فرخ خان رجوع

نم نید بقریخ ایران واتسن ۱۸۰۰ / ۱۸۵۸ صفحه ۴۵۶ (۲) چاپ طهران ۱۳۱۰ / ۳ -

۱۸۹۲ رجوع کنید بر بو (B.M.P.S) صفحه ۱۰۱ - ۹۹ و ۱۳۹ و ۱۴۰ . همچنین رجوع

شود بکتاب ب . ورن موسوم به ملانزا ۱۰ کستره مخطوط و منتخب جلد سوم ص ۵۰ - ۵۹

باب چهارم - در بیان اسامی و جغرافی امصار و قراء و اقعہ در خطہ ایران و ترکستان و افغانستان و هندوستان و بعضی اروپا و چین و ختا و ممالک عثمانی از شامات و مصر و غیره بحروف تهجی .

سیر - در بیان مقدمات و ترتیب این بستان و بیان بعضی مطالب که مناسب آن است .

گلشن . در بیان بلدان و اشخاص آن که مقصد اقصای کتاب است و تعداد آن تطابق دارد با حروف تهجی چنانکه گلشن اول در حرف الف و گلشن بیست و هشتم در حرف یاء

این کتاب حاوی مطالب متفرقه جغرافیا و رجال است که چون ترتیب حروف تهجی در آن ها رعایت شده و فهرست مشروحی در ابتدای کتاب موجود است خواننده میتواند بسهولة استفاده نماید مؤلف خیلی متجسس و دقیق بود و هر چند نتوانست اروپا را سیاحت کند اما از معاشرت و مکالمه با سیاحان اروپائی غنای نوریذ و از مذاکرات آنها نکاتی راجع بممالک و آداب و رسومشان کسب نمود. در تحت عنوان فرنگ (ص ۷-۲۸۵) نسبت باحوال و اخلاق ممالک، مظمه اروپا بحث کرده فرانسه را اول و اطریش را دوم و انگلیس را سوم قرار میدهد و شرح مفصلی از مذاکرات بایک نفر انگلیسی که او را مستر و کلیس مینامد و در عظیم آباد با وی ملاقات کرده مینگارد. همچنین بصحبت سفیر اطریش مقیم - لامبول رسید که ویرا بسیاحت ممالک خود دعوت کرد ولی مینویسد : «چون هیچ فایده روحانی بر این سفر مترتب نبود پذیرفتیم» گرانبهانترین قسمت های این کتاب مطالبی است که راجع بفرق و شعب مذہبی آسیا نگاشته و در خلال مباحث مختلفه از احوال زردشتیان و مزدکیان و یهود و نصارا و هندو و سوفیه و غلات بحث نموده است .

در اینجا غیر ممکن است که از تمام کتب مفیده قابل رجوعی که در تاریخ و رجال و جغرافی از نیمه قرن نوزدهم بعد در ایران نگاشته شده اند کرمی بکنیم . هر چند بیشتر آنها از کتب قدیمه عربی و فارسی استخراج و تلخیص شده اما در برخی مطالب مفیده جدیدی پیدا میشود که در سایر کتب نتوان یافت . فقط باید بعضی نکات مخصوصه که در این رشته ادبیات و کتب ایران جدید ملاحظه میشود خاطر نشان گردد .

معمولاً اروپائیان که فارسی تحصیل میکنند اگر در ایران زندگانی نکرده باشند اصطلاحاتی بکار میبرند که در کتب خطی دیده اند و اطلاعاتی از ادبیات اظهار میدارند که در فهرست بی نظیر دکتر ریو مندرج است اما بعد از دخول فن طبع و چاپ سنگی در ایران خاصه پس از ۱۸۸۰ اهمیت کتب خطی روز بروز کمتر شده است زیرا که کتب ۴۰۰ یا در چاپخانه سنگی یا در مطابع حروفی از روی نسخ اصلی چاپ شده اند. این ادبیات مطبوعه هنوز آنقدر که ادبیات خطی مورد توجه قرار گرفته جای دقت نکرده است. و غالباً غیر مقدر است که اطلاعات صحیحه راجع بمؤلف یا مندرجات یکی از کتب جدیده بدست بیاوریم انتشار فهرست کتب چاپی فارسی موزه بریتانیا<sup>۱</sup> که توسط مستر ادواردس جدیداً تهیه و طبع شده قدم بزرگی است در طریق تکمیل اطلاعات سابقه. اما یاد داشت هائی که راجع بهر کتابی ذکر کرده قهراً خیلی مختصر است و قاعده جز کلیاتی راجع بمؤلفات مختلفه هیچ نکته مخصوصی از احوال مؤلفین و مصنفین را حاوی نیست. آنچه لازم است بکفهرست استدلالی مبسوطی است از کتب فارسی که در قرن اخیر تألیف و در ایران طبع شده است. زیرا که صورت کتب فارسی طبع عثمانی و مصر و هند را بدلائلی که ذیلاً خواهیم نگاشت بسهولت میتوان تحصیل کرد.

حقیقت اینست که تجارت کتب فارسی خیلی مغشوش و فرین هرج و مرج است ناشرین و کتابفروشان صاحب تمکن و باثبات وجود ندارند و فهرستی از کتب موجوده هرگز انتشار نمییابد. اغلب کتب قیمت معین و محل فروش ثابت ندارند. خیلی از آنها عدد صفحات را فاقدند. و کمتر کتابی بنظر میرسد که فهرست مندرجات یا جدول اسامی داشته باشد. غالباً کتبی که در چند جلد چاپ میشود در هر جلدی شکل و قطع و طرحش تغییر یافته و حتی موضوعش هم در طول سخن عوض میشود و خود مؤلف هم غالباً تغییر لقب میدهد. محض نمونه یکی از چند کتابی را که بنام میرزا محمد حسن خان پسر حاجی علی خان مراغه ملقب بحاجب الدوله و اعتماد السلطنه نوشته شده نام میبریم خود محمد حسن خان هم بی در پی بالقاب صنیع الدوله مؤتمن السلطنه و اعتماد السلطنه ملقب شده است قبل از هر چیز

(۱) لندن ۱۹۲۲ : ۹۶۸ ستون. این کتاب بترتیب نام مؤلفین ترتیب یافته اما بکفهرست

عمومی القاب و بکفهرست مواد نیز تنظیم شده است.

باید گفت که بهیچوجه معلوم نیست این کتب را خود اعتماد السلطنه نوشته باشد در افواه مشهور است که اعتماد السلطنه چند نفر از فضلاء تنگدست را مجبور میکرد که این کتب را بنویسند و عنوان مؤلف را بنمود اختصاص میداد<sup>۱</sup> از این دو عمل نخستین را میتوان بیک تقریبی پذیرفت اما دومین قابل سرزنش و تقیح است . باری در ۱۲۹۳/۱۸۷۶ جلد اول مرآت البلدان را که فرهنگ جغرافیای بلاد و قراء ایران است و بیشتر اساسش روی معجم البلدان یا قوت حموی است و از حرف الف تا تا را شامل است انتشار داد . ظاهراً این جلد دوم مرتبه چاپ شده طبع اول با ذکر تبریز خاتمه یافته و دارای ۳۸۸ صفحه است و چاپ دوم که در سال بعد (۱۲۹۴/۱۸۷۷) صورت گرفت ذکر طهران را نیز حاوی است و ۶۰۶ صفحه دارد . مؤلف بعد از اینکه بطهران رسیده مثل اینکه از جغرافی خسته شده کتاب خود را با تاریخ از دوره سلطنت ناصرالدین شاه ( سلطان وقت ) ادامه داده و در پایان آن جلد و سایر مجلدات یک تقویم و سالنامه اوضاع در باری افزوده است . جلد دوم شامل وقایع بانزده سال اوائل سلطنت ناصرالدین شاه و دارای ۲۹۸ صفحه است غیر از سالنامه مربوط بسنه ۱۲۹۵/۱۸۷۸ که خود ۶۵ صفحه میشود . جلد سوم بهدین طریق ادامه یافته و اوضاع سلطنت را از سال شانزدهم تا سال سی و دوم در ۳۶۴ صفحه شرح داده و سالنامه اش به پنجاه صفحه بالغ میگردد . در اینجا ظاهراً مؤلف بیاد خیال و مقصود نخستین خود که ذکر مطالب جغرافی بوده افتاده و در جلد چهارم فرهنگ جغرافی را ادامه داده حرف تا و جیم را با تمام رسانیده است . اما مجدداً وارد تاریخ شده شمه از وقایع سال تألیف ( ۱۲۹۶/۱۸۷۹ ) را ذکر نموده و سالنامه معمولی را ضمیمه میکند . در این جلد بشادمان صاحب و صفائیکه میان تاریخ و جغرافیا صورت گرفته بر قطع کتاب افزوده میشود و از ۱۰۱ اینچ طول و ۶۴ اینچ عرض میرسد به ۱۳۱ اینچ طول و ۸۱ اینچ عرض .

در اینوقت مؤلف چنین بنظر می آید که از مرآت البلدان خسته و کسل شده زیرا که پس از یکسال استراحت به نشر کتاب جدید موسوم به منتظم ناصری همت گماشت سه جلد از آن در سال ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰ مطابق ۳ - ۱۸۸۱ از طبع خارج شد . من فقط جلد اول و سوم این کتاب را در دست دارم نخستین شامل خلاصه تاریخ

(۱) رجوع کنید به « مطبوعات و شعر در ایران جدید » صفحه ۱۵۶ و ۱۶۴

اسلام از سال اول هجرت الی سنه ۶۵۶ هجری (۶۲۲-۱۲۵۸ م) است یعنی تاریخ خلفا  
بضمیمه و قایمیه مهمه ایران و اروپا در سال شمسی که ابتدایش مارچ ۱۸۸۰ است این  
قسمت از صفحه ۵۷ تا ۲۳۹ را فرا میگیرد در آخر کتاب ۴۲ صفحه تقویم و سالنامه  
در بار ضمیمه است. جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ۱۱۹۴/۱۷۷۹ تا سال ۱۳۰۰/۱۸۸۲  
(صفحه ۳۸۷-۳۲۲) به علاوه سالنامه اخیر است.

سال بعد اعتماد السلطنه تألیف جدیدی را شروع میکند بنام  
مطلع الشمس در ابتدای این کتاب عذر خواهی بی اساس و  
عادی از نا تمام ماندن مرآت البلدان مندرج است و گویند  
چون بعد از حروف مندرجه در مرآت البلدان حروف خاء و خاء

مطلع الشمس  
۳-۱۳۰۱ هجری  
مطابق ۶-۱۸۸۴ میلادی

می آید و چون خراسان مهمترین ایالتی است که بحرف خاء شروع میشود و چون  
ناصرالدین شاه که مؤلف از بندگان مطیع اوست و تمام کتبش بنام او مزین شده اخیراً  
بآن ایالت سفر کرده تصمیم گرفته ام که این کتاب را مخصوص اوضاع آن ایالت نمایم  
و نظر باینکه خراسان در مشرق ایران واقع است کلمه مطلع الشمس را عنوان قرار  
میدهم. پس در جلد اول که در سال ۱۳۰۱/۱۸۸۴ تألیف شده وضع جاده طهران  
بمشهد را که از دماوند فیروز کوه بسطام و بجنورد و قوچان میگذرد و وصف نموده.  
و احوال و اوضاع هر یک از این بلاد را باقری و منازل بین راه شرح میدهد. جلد  
سوم که در سنه ۱۳۰۲/۱۸۸۵ طبع شد و وصف مشروحی از شهر و ابنیه مشهد و گذارش  
تاریخی آن از سنه ۱۰۳۶/۴۲۸ تا ۱۳۰۲/۱۸۸۵ و بزرگان و اعظم رجالی که در  
آنجا تولد یافته اند و احوال امام علی الرضا ع را حاوی است و در خانمه [ از صفحه  
۴۶۹ الی ۵۰۰ ] فهرست گرانبهایی از کتب کتابخانه آستانه ضمیمه است. در میان  
این مطالب جغرافیائی و تاریخی تذکره شاه طهماسب صفوی هم [ از صفحه ۱۶۵ تا  
۲۱۶ ] مندرج است. این همان تذکره است که در یکی از فصول قبل مطالب بسیاری  
از آن نقل نمودیم. جلد سوم که در ۱۳۰۳/۱۸۸۶ منتشر شد [ در شرح مراجعت  
شاه است از طریق معمولی زوار | نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان ] با تاریخ  
و جغرافی و احوال رجال بزرگ هر یک از این بلاد و منازل بین راه. در پایان هر  
جلدی تقویم و سالنامه در بار نیز ضمیمه است.



سایر مؤلفات  
محمد حسن خان

سایر تألیفات کثیره محمد حسن خان که بعد از مطلع الشمس نوشته شده دارای سالنامه است که عدد صفحاتش خارج از کتاب است. فقط تاریخ زنان مشهور مسلمانان که خیرات حسان نام دارد و در سه مجلد در سنوات ۷-۱۳۰۴ مطابق ۹۰-۱۸۸۷ چاپ شده سالنامه همراه ندارد اما در آخر مآثر و الآثار که شرح کارهای بزرگ چهل سال از سلطنت ناصر الدین شاه است سالنامه منضم است کتاب مآثر و الآثار برای اشخاصیکه بخواهند از احوال مردمان بزرگ و تکامل اوضاع ایران تا سال تحریر آگاهی حاصل کنند بسیار واجب و لازم است. یکنفر نویسنده دیگر موسوم و معروف بمحمد تقی خان حکیم در سال ۱۳۰۵/۸-۱۸۸۷ فرهنگ کاملی از اسامی اماکن و بلاد ایران مشتمل بر ۵۷۴ صفحه تألیف نمود و آنرا گنج دانش نام نهاد یکی از محاسن امید بخش این کتاب آنستکه در ابتداء فهرست مفصلی از منابع و مأخذ و کتبی که طرف رجوع مؤلف بوده ثبت شده است از جمله عده از کتب اروپائی و مورخین قدیم یونان را نام می برد.

این کتب چاپی فارسی با وجود نواقصی که دارند از حیث خط خوش و صحافی محکم و کاغذ اعلا ممتازند و مورت ملال خواننده نمیشوند بعضی از آنها مثل خط و خطاطان سنن الاخ و مثنوی کشف الایات چاپ علامه الدوله واقعاً کتب دلپسند و زیبایی هستند و تقریباً تمام کتب چاپ ایران بر طبع هندوستان ترجیح بین دارند. اما این کتب را در اروپا بزرگت می توان بدست آورد و گویا جز در طهران و تبریز و شاید اصفهان بسهوات نتوان نسخه آنها را تحصیل نمود. حتی مجموعه کتب موزه بریتانیا هم نواقص بسیار دارد اما مجموعه متعلق بمن که بدو در ایران خریداری شده است آنکه بالنسبه کامل شده است که مقداری کتب از دو کتابخانه معتبر بدست آورده و آن افزوده ام. یکی کتابخانه مرحوم شارل شفر دیگر کتابخانه مرحوم سرهوت شیندلر. چنانکه قبلاً گفتیم بزرگترین خدمتی که بفضای ایران شناس میتوان کرد تألیف يك فهرست صحیح و مشروحی از کتب چاپ ایران و نشر آن در بازارهای کتاب فروشان فرنگستان است.

از آنجائیکه چاپ سنگی مقدمات سهل و ساده دارد و مستلزم مهارت فنی

(۱) برای اطلاع از کتبی که من در ایران در پائیز ۱۸۸۸ خریدم رجوع کنید « بيك سال در